

بررسی وضعیت اشتغال زنان افغانستانی، پس از روی کار آمدن طالبان

پایان یک آغاز

گزارش

قدرت گرفتن دوباره طالبان در افغانستان پس از حدود دو دهه، باعث فروپاشی نسبی بسیاری از ساز و کارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور شده است. شاید بیشتر از هر گروهی، زنان شدت این تغییرات را احساس کرده‌اند. در حال حاضر طیف وسیعی از آنها از کار بیکار شده‌اند، حق تحصیل به‌ویژه تحصیلات عالی برای بسیاری از آنها از دست رفته و محدودیت‌های شدیدی بر رفت و آمد آنها اعمال می‌شود. در این شماره از آتیه‌نو، به گفت‌وگو با یکی از این زنان سابقاً شاغل در افغانستان نشستیم تا با او درباره وضعیت اشتغال زنان پس از روی کار آمدن طالبان صحبت کنیم.

ایران ترک کند. او که شش سال در دانشکده پزشکی کابل مشغول تحصیل در رشته دندانپزشکی بود و مطب بزرگی در کابل برای ارائه خدمات دندانپزشکی به زنان و مردان داشت اکنون مجبور شده تا تمام تجربیات و داشته‌های خود را رها و به ایران مهاجرت کند. عطیه شرایط پیش و پس از ورود طالبان را اینگونه توصیف می‌کند: «پیش از طالبان برای کار و تحصیل خانم‌ها هیچ محدودیتی وجود نداشت و مانند ایران، مراجعان زیادی؛ چه مرد و چه زن به سهولت به مطب من مراجعه می‌کردند. این شرایط امکان کار تمام وقت را برای من ایجاد کرد و باعث شد تا از لحاظ مالی به عنوان یک زن به استقلال مالی دست پیدا کنم. اما بعد از طالبان از خانم‌ها خواسته شد که دیگر به سر کار نیایند و تنها زمانی که در بخش بهداشت و آموزش کار می‌کردند اجازه کار کردن را به دست آورند. این شرایط نیز به این جهت ایجاد شد که طبق قوانین طالبان، مردان پزشک تنها اجازه دارند که مردان را معاینه کنند و زنان تنها باید به زنان پزشک مراجعه کنند. همین امر باعث شد تا پس از تسلط طالبان بیماران من از نصف هم کمتر شوند و زنان از ترس و احساس عدم امنیت تنها در مواقع ضروری به دکتر مراجعه کنند. علاوه بر این، طالبان از زنان خواست تا با روینده در خیابان ظاهر شوند و همیشه همراه با یکی از محارم خود در خیابان تردد کنند و جز در موارد غیر ضروری اصلاً از خانه خارج نشوند. این قوانین باعث شد تا من و سایر همکارانم با محدودیت‌های بیشتری نیز مواجه شویم. من یک زن پزشک بودم، پوشیدن روینده و چادر برای من بسیار دست‌وپاگیر بود و به من اجازه کار آزادانه نمی‌داد. این در حالی بود که همیشه ترس از مراجعه طالبان به مطب پزشکان برای کنترل رعایت قوانین توسط پزشکان نیز وجود داشت. علاوه بر این، از آنجایی که برای رفت‌وآمد همیشه می‌بایست کسی من را همراهی می‌کرد، رفتن به مطب برای من بیش از پیش سخت و طاقت‌فرسا شد تا جایی که تصمیم گرفتم مطب را تعطیل کنم.»

دشواری خانه‌نشینی

عطیه همچنین درباره شرایط زنان بعد از روی کار آمدن طالبان می‌گوید: «بعد از روی کار آمدن طالبان تمامی زنانی که شاغل بودند از جمله زنان شاغل در بانک‌ها، ادارات، مؤسسات و شرکت‌ها مجبور به ترک محل کار خود شدند و در حال حاضر شرایط روحی بسیار بدی را تجربه می‌کنند. آنها مجبور هستند یا مهاجرت کنند که آن هم لزوماً سرانجام خوبی برای آنها به همراه ندارد و یا مجبورند همه دستاوردهای خود را رها کنند و در خانه بمانند. همچنین زنان معلم نیز مجبور به خانه‌نشینی شده‌اند و تعداد محدودی از آنها که تنها به دختران، آن هم دختران قبل از پایه

یک سال پیش از این، در ۱۵ اوت سال ۲۰۲۱ در جریان خروج سربازان آمریکایی از افغانستان، طالبان وارد پایتخت این کشور شد و کنترل آن را به دست گرفت. ظهور دوباره طالبان پس از ۲۰ سال، بسیاری از دستاوردهای این کشور خصوصاً در حوزه آزادی‌های مدنی و زنان را با خطر جدی مواجه کرد. هر چند ذبیح‌الله مجاهد (سخنگوی طالبان) در روزهای اول کنترل کابل، خبر از تشکیل دولت فراگیر و احترام به حقوق زنان برای کار و تحصیل را داد، اما هیچکدام از این وعده‌ها عملاً محقق نشد و در ماه‌های پس از آن، بیشترین موضوعی که جهان از دریچه رسانه‌ها شاهد آن بود، خروج پخش بزرگی از جامعه افغان خصوصاً آنها که در این ۲۰ سال برای آزادی‌های مدنی و سیاسی تلاش کرده بودند و همچنین فشار حداکثری بر زنان و دختران بود. همه این فشارها بر زنان و محروم کردن آنان از کار و اشتغال در حالی اتفاق افتاد که بنا بر گزارش سازمان بین‌المللی کار، بحران اقتصادی و محدودیت حضور زنان در افغانستان به دنبال روی کار آمدن طالبان، ۵۰۰ هزار شغل را از بین برده و این کشور را با بحران جدی فقر و گرسنگی روبه‌رو کرده است؛ اما طالبان نه تنها فشار بر زنان و دختران برای داشتن حق کار و تحصیل را به طور فزاینده‌ای افزایش داد بلکه قصدی نیز برای عقب‌نشینی از مواضع خود ندارد. در پی روی کار آمدن طالبان، زنان اولین گروهی بودند که سمت‌های خود را در دولت از دست دادند؛ به طور اخص «وزارت امور زنان» ملغی شد و تمامی زنان شاغلی در این وزارتخانه، خانه‌نشین شدند. این اتفاقات عملاً نشان داد که طالبان تمایلی به مشارکت زنان در هر گونه فعالیت اجتماعی ندارد. همچنین در همان روزهای اول، حکومت طالبان تحصیل برای دختران را ممنوع و از زنان شاغل در تمامی بخش‌ها خواست که دیگر به سر کار خود نروند. طالبان به طور رسمی اعلام کرد که زنان اجازه کار کردن را ندارند، اما نه دوشادوش مردان؛ اما در عمل زنان را از کار کردن در ادارات دولتی و خصوصی محروم کرد و تنها به شماری از زنان در بخش صحتی (سلامت) و آموزش اجازه کار داد.

روایت تعطیلی یک مطب

همه این روی‌داها در افغانستان و وضعیتی که خصوصاً زنان و دختران این کشور را نشانده رفته، باعث شد روایت‌های زیادی از زنان افغان که راوی ترس‌ها و رنج‌های خود هستند به گوش رسد که هر چند تلاش می‌کنند تا نور زندگی را در خود روشن نگه دارند، اما امید چندانی برای بهبود وضعیت‌شان با حضور طالبان ندارند. «عطیه» یکی از هزاران زنی است که تجربه کار و اشتغال هم در دوران قبل از طالبان و هم بعد از آن را دارد اما در جریان فشارها و تغییر قوانین مربوط به زنان سرانجام مجبور شده تا افغانستان را به مقصد

وضع روحی نامناسبی خانه‌نشین شده‌اند.» عطیه که اکنون به همراه همسر و فرزندش در ایران زندگی می‌کند، می‌گوید از اجازه کار در ایران برخوردار نیست و فکر می‌کرد که ایرانیان به او کمک می‌کنند تا راه خودش را ادامه دهد اما بر عکس، اتباع خارجی خصوصاً افغان‌ها اجازه کار ندارند و شاید او مجبور شود برای رسیدن به اهدافش کشور سومی را برای زندگی انتخاب کند.

فرصت‌های شغلی از دست رفته در افغانستان

بنا بر گزارشی که جنبش زنان افغانستان برای عدالت و آزادی منتشر کرده «طالبان با تسلط بر کشور، کار و فعالیت‌های اجتماعی زنان را جز در بخش معارف، بهداشت و درمان، در سایر ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی ممنوع کرده که این امر برای زنان به صورت عموم و برای زنانی که سرپرست و نان‌آور خانواده بودند به طور خاص، مشکلات فزاینده‌ای ایجاد کرده است. طالبان برای اینکه زنان را به کلی از فعالیت‌های اجتماعی محروم و آنان را در پست‌های خانه‌زاندانی کنند، وزارت امور زنان را نیز به طور کلی منحل و از تشکیلات اداری افغانستان حذف کرده است.» همه این بیکاری‌ها در شرایطی رخ داده که سطح زنان شاغل در افغانستان که از این نیز از سطح استانداردهای جهانی بسیار پایین‌تر بوده و اکنون با روی کار آمدن طالبان بیش از پیش نیز کاهش یافته است. بنا به گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) سه چهارم زنان این کشور تاکنون بیکار شده‌اند. این حجم زیاد بیکاری که هم در جامعه زنان و هم در جامعه مردان رخ داده عددی در حدود نیم میلیون فرصت شغلی بود و انتظار می‌رود به زودی به ۷۰۰ هزار نفر نیز افزایش یابد. این فرصت‌های شغلی از دست رفته جدای از فعالیت‌های زنان، سایر حوزه‌ها مانند کشاورزی، خدمات، صنعت و فعالیت‌های نظامی را هم در بر می‌گیرد و همین امر باعث شده تا جمعیت بسیار زیادی از افغانستان به صورت قانونی و یا غیرقانونی از این کشور خارج شود. بنابر آمار منتشر شده از سوی شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان در روزهای اول حکومت طالبان روزانه حدود ۵ هزار نفر از مرزهای افغانستان وارد ایران شده‌اند که تا پیش از آن عددی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر بوده است. همچنین از هر ۱۰ نفر افراد مهاجر به ایران، ۹ نفر مرد بوده‌اند و تنها یک نفر زن بود است که به دنبال مسائل اقتصادی این کشور را ترک کرده‌اند. به احتمال زیاد، بنا بر محدودیت‌هایی که برای زنان به طور کلی و به طور خاص در شرایط فعلی افغانستان وجود دارد، بخش قابل توجهی از زنان افغانستانی همچنان در این کشور و در شرایط بسیار دشوار اقتصادی و روحی به سر می‌برند.

الهام اظهري

روزنامه‌نگار

بعد از روی کار آمدن طالبان تمامی زنانی که شاغل بودند از جمله زنان شاغل در بانک‌ها، ادارات، مؤسسات و شرکت‌ها مجبور به ترک محل کار خود شدند و در حال حاضر شرایط روحی بسیار بدی را تجربه می‌کنند

خبر

افزایش ناامیدی و خشم شهروندان آلمانی

نتایج یک نظرسنجی حاکی است روحیه شهروندان آلمانی بیش‌ازپیش متأثر از سرخوردگی، بی‌اطمینانی به آینده و خشم است. اداره جنایی فدرال آلمان نگران است که معضلاتی نظیر افزایش بهای انرژی امنیت داخلی را به خطر بیندازد. هنوز پیامدهای همه‌گیری کرونا خاتمه نیافته و زندگی شهروندان و کسب‌وکارها به حالت عادی بازنگشته بود که جنگ روسیه و اوکراین کشورهای اروپایی، از جمله آلمان را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرد. برای سنجش میزان تأثیر این چالش‌ها بر روحیه شهروندان آلمانی به سفارش هفته‌نامه اشپیگل یک نظرسنجی انجام شده که خلاصه‌ای از نتایج آن هفته قبل منتشر شد. بر پایه این بررسی که مؤسسه افکارسنجی (Civey) انجام داده ۴۱ درصد پرسش‌شوندگان به این پرسش که آیا واژه «خشم» برای توصیف وضعیت روحیه آنها در شرایط کنونی مناسب است، پاسخ مثبت داده‌اند. برای درک روند منفی وضعیت روحیه شهروندان باید در نظر داشت که در ماه مه سال ۲۰۲۰ فقط ۱۵ درصد پرسش‌شوندگان و در ماه مه امسال کمتر از ۳۰ درصد آنها به این پرسش پاسخ مثبت داده بودند. پرسش‌شوندگان در پاسخ‌های خود کمتر مفاهیم مثبت را برگزیده‌اند. فقط حدود ۲۳ درصد گزینه خوش‌بینی نسبت به آینده را انتخاب کرده‌اند، ۱۷ درصد احساس «قدردانی» می‌کنند و کسانی که گزینه «شادمانی» را انتخاب کرده‌اند هفت درصد بیشتر نیستند. از کسانی که در نظرسنجی شرکت کرده‌اند فقط پنج درصد گفته‌اند، احساس «امنیت و اطمینان» می‌کنند. تمام این شاخص‌ها نسبت به یک سال پیش کاهش داشته‌اند. در مقابل این روند، شمار کسانی که وضعیت روحی و احساسات خود را با مفاهیم منفی مانند «خشم» توصیف کرده‌اند بشدت افزایش یافته است. به نوشته اشپیگل ۴۲ درصد پرسش‌شوندگان گزینه «عدم اطمینان» را برای توصیف روحیه خود مناسب دانسته، ۲۳ درصد گزینه «از دست دادن کنترل-عجز» و ۲۶ درصد گزینه «ناامیدی-اضطراب» را مناسب‌ترین وصف حال خود عنوان کرده‌اند. بنابر این گزارش، مقایسه نتایج نظرسنجی‌های مشابه در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که روحیه و حال و هوای شهروندان آلمانی به مرور تیره‌تر شده و جنبه‌های مثبت رو به کاهش است. همزمان، روزنامه «تاگس اشپیگل» با استناد به یک گزارش داخلی اداره فدرال جنایی آلمان (BKA) می‌گوید، این اداره برآورد می‌کند که افزایش بهای انرژی و تورم تهدیدی فزاینده برای امنیت داخلی است.

نرخ بیکاری آلمان ۵.۴ درصد شد

نرخ بیکاری آلمان در ماه سپتامبر مانند ماه ژوئیه به ۵.۴ درصد رسید و تعداد کل بیکاران کمتر از حد انتظار دو میلیون و ۴۸۶ هزار نفر است. تعداد شهروندان آلمانی که بیکار در نظر گرفته می‌شوند در مقایسه با نتایج ماه اوت که این نرخ ۵.۵ درصد بود، در ماه سپتامبر ۶۲ هزار نفر کاهش یافت. با این حال، بر اساس نیروی فصلی تعدیل شده، این تعداد ۱۴ هزار نفر ماه به ماه افزایش یافت. در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، این رقم ۰.۸ درصد افزایش یافته است.

